



### شاخص‌های عبد صالح با نگاهی به زیارتنامه حضرت عباس(ع)

استاد حوزه علمیه خواهران گفت: ایمان به خدا و روز قیامت، تلاوت قرآن در دل شب، سجود و خضوع در برابر عظمت خالق هستی، امر به معروف و نهی از منکر، ادب و حیاء بصیرت نافذ حضرت عباس(ع) سبب شده که در زیارتنامه قمر بنی هاشم بگوییم سلام بر بنده صالح خدا.

استاد حوزه علمیه خواهران گفت: ایمان به خدا و روز قیامت، تلاوت قرآن در دل شب، سجود و خضوع در برابر عظمت خالق هستی، امر به معروف و نهی از منکر، ادب و حیاء بصیرت نافذ حضرت عباس(ع) سبب شده که در زیارتنامه قمر بنی هاشم بگوییم سلام بر بنده صالح خدا.

زهره کاظمی، استاد حوزه علمیه خواهران زهرا کاظمی، استاد حوزه علمیه خواهران در گفت و گو با ایکن از قم، اظهار کرد: در زیارتنامه حضرت عباس(ع) که توسط امام صادق(ع) نقل شده است، آمده: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأُمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ» که در درجه اول به عبد صالح بودن آن حضرت و در مرتبه بعدی به مطیع بودن حضرت ابوفاضل(ع) اشاره می کند.

وی ادامه داد: در قرآن قرآن چهار ویژگی برای بندگان صالح خدا بیان شده است که این ها رفقای کسانی هستند که در زندگی در راه نعمت یافتگان حرکت کنند، کلمه صالح یعنی شایسته، صلاح یعنی شایستگی و صالحان نیز به معنی شایستگان می باشد و ما در هر نمازی بر بندگان صالح خدا سلام می دهیم.

استاد حوزه علمیه در خصوص اینکه بندگان صالح خدا از جمله حضرت عباس(ع) چه ویژگی هایی دارند که باید سبک زندگی ما بر اساس آنان باشد، افزود: قرآن برای افراد صالح چند خصوصیت را بیان کرده است و می فرماید که «لَيْسُوا سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتَّبِعُونَ آيَاتِ اللَّهِ أَتَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ» (آل عمران، ۱۱۳ و ۱۱۴)؛ در این آیات خداوند چند صفت را بیان می کند و می فرماید هر کس این ویژگی ها را داشته باشد در گروه صالحان قرار می گیرد.

وی بیان کرد: ابتدای آیه درباره یهود و نصاری است، همه اهل کتاب یکسان نیستند که در آن نکته ای است، اینکه اگر در زندگی یهود و نصاری نقطه مثبتی بود ما باید آن را بپذیریم، خداوند می فرماید که همه پیروان دین یهود و نصاری افراد بدی نیستند، طبق روایات این آیه درباره ۸۰ نفر از افرادی است که از مسیحیت به اسلام گرایش پیدا کرده اند.

کاظمی اضافه کرد: در ادامه آیه «أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتَّبِعُونَ آيَاتِ اللَّهِ أَتَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ» پنج ویژگی برای انسان های صالح بیان شده است که هر کس می خواهد مصداق صالحان قرآن باشد باید تلاش کند این ویژگی ها را در وجود خود ایجاد کند.

وی در خصوص شرط پذیرش اعمال انسان، افزود: دو ویژگی اعتقادی است که به اعتقاد به خدا و روز جزا باز می گردد و چند ویژگی دیگر نیز رفتاری است، در میان همه اعتقادات مسأله ایمان به خدا و روز قیامت از همه مهم تر است، «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» انسان های صالح کسانی هستند که خدا را باور دارند و قیامت را قبول دارند، اگر انسان ایمان و اعتقادی به خدا و قیامت نداشته باشد هر چه عمل صالح انجام داده باشد ارزشی ندارد، عمل صالح از انسان های مؤمن پذیرفته می شود و اعتقاد به خدا و روز قیامت اساس پذیرش اعمال دیگر است.

وی با تاکید بر اینکه ضامن اجرای ارزش های اخلاقی اعتقاد به خدا است، تصریح کرد: از امام رضا(ع) پرسیدند که چرا باید به خدا اقرار کرد؟ ایشان فرمودند: «اگر کسی خدا را قبول نداشته باشد از فساد اجتناب نمی کند» بنابراین اگر می خواهیم ادارات و فرهنگ ما اصلاح شود نخستین اقدام باور به خدا است چرا که اگر کسی به خدا و روز قیامت باور داشته باشد به سمت گناه نمی رود بنابراین نخستین ویژگی مهم اعتقادی کسانی که انسان های صالح هستند اعتقاد به خدا و روز قیامت است زیرا کسی که مؤمن به خدا و قیامت نباشد، نمی تواند در گروه صالحان قرار گیرد.

استاد حوزه بیان کرد: خداوند چهار ویژگی رفتاری برای صالحان نام برده است که نخستین مورد آن تلاوت قرآن در دل شب می باشد؛ در روایتی از امام علی(ع) داریم که «هم نشین شبانه تو قرآن باشد» که این نکته برای قاریان قابل توجه است و قاریان نباید فقط در اجتماع قرآن بخوانند بلکه برای خودشان نیز باید آیات الهی را تلاوت کنند. در روایت داریم که امام حسن(ع) سر شب قرآن می خوانند و امام حسین(ع) آخر شب.

وی گفت: دومین ویژگی رفتاری صالحان از جمله حضرت عباس(ع) سجود و خضوع در برابر عظمت خالق هستی است، آیات الهی را در دل شب می خوانند و در برابر حق سجده می کنند.

وی سومین ویژگی را امر به معروف و نهی از منکر دانست و افزود: انسان های شایسته امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه خود می دانند و تمام مسلمانان موظف به این فریضه الهی هستند، در روایتی از رسول اکرم(ص) داریم که کسی که می خواهد امر به معروف کند باید به درستی با مردم برخورد کند. الگوگیری از ادب و حیای حضرت عباس(ع)

کاظمی بیان کرد: حضرت عباس(ع) دو ویژگی بارز علاوه بر این ویژگی ها داشتند، ایشان بسیار مؤدب و با حیا بودند اگر همین دو ویژگی در خانواده های ما رعایت شود و در سیر تربیتی به فرزندان ما منتقل شود جامعه ای آرام و پر از محبت خواهیم داشت و چنین جامعه ای می شود که بسترساز تمدن اسلامی و ظهور حضرت مهدی(عج) خواهد بود.

وی گفت: ادب حالتی درونی است که از رعایت آداب معاشرت با دیگران و رعایت آداب اسلامی در تمام لحظات زندگی در وجود انسان حاصل می شود؛ حیا نیروی بازدارنده ای است که انسان در شأن خودش نمی بیند، هر کاری را حتی در خلوت انجام دهد و در جمع نیز به خاطر حفظ شأن انسانی دیگران هر عملی را انجام نمی دهد و هر حرفی را به زبان نمی آورد.

استاد حوزه علمیه عنوان کرد: امام صادق(ع) از عموی بزرگوار خود چنین تعبیر می کند که گویا حضرت عباس(ع) دارای بصیرتی نافذ بوده که امام صادق(ع) این صفت را به ایشان نسبت داده اند.

وی در خصوص بصیرت نافذ حضرت ابوالفضل(ع) افزود: بصیرت به این معنی است که انسان بتواند در سخت ترین شرایط حق را از باطل تشخیص بدهد و از حق پیروی کند، بصیرت نافذ در وجود مبارک حضرت عباس(ع) به این مفهوم بوده که آن حضرت در همه شرایط قدرت تشخیص حق را از باطل داشته است و از حق دفاع کرده است.

کاظمی بیان کرد: حضرت عباس(ع) نه تنها امام زمان خود را در سخت ترین اوضاعی که لشکر انبوه دشمن به ایشان حمله کرده بود، تنها نگذاشت بلکه جان خود را سپر امام خود کرد، این نوع رشادت و دلاوری از انسانی برمی آید که توان تشخیص حق را داشته باشد و نه تنها در راه دفاع از حق نلرزد و سست نشود، بلکه با کمال رشادت و شجاعت از آن حمایت کند، به همین دلیل است که امام صادق(ع) عموی گرامی خود را با بصیرت نافذ خوانده و فرموده اند که «کان معنا العباس بن علی نافذ البصیره صلب الایمان جاهد مع أبی عبدالله و أبلی بلاء حسنا و مضی شهیدا» به این معنا که عموی ما عباس بن علی، بصیرت نافذ و ایمان مستحکم داشت، کنار اباعبدالله(ع) مجاهدت کرد و به درجه و مقامی زیبا رسید و با شهادت جان سپرد. حضرت عباس در فقاقت و حکمت مانند نداشت

وی گفت: گفته شده که حضرت عباس(ع) یکی از فقها و عالمان زمان خود بود، حال اینکه چگونه آن حضرت در آن سن جوانی به این مقام رسیده بود باید گفت که این مقام نتیجه فرزندگی و دانش آموختن در مکتب حضرت امیرالمؤمنین(ع) است. در روایتی درباره علم و حکمت آن حضرت می خوانیم که «ان العباس زقّ العلم زقا؛ به درستی که عباس علیه السلام علم را مانند غذا وارد جانش کرده است.» همان طور که انسان غذا را در کودکی می خورد و آن را وارد جان خود کرده و رشد می کند، حضرت عباس(ع) نیز علم و حکمت را از پدر خود دریافت و وارد جان خود کرد و با آن پرورش یافته است، حتی تربیت شدن در دامان حضرت ام البنین(ع) که یکی از زنان بصیر و دانای زمان خود بود، نشانه دیگر از علم و دانش حضرت ابوالفضل(ع) می باشد که ایشان را سرآمد خلق کرده است.

استاد حوزه ابراز کرد: شیخ عبدالواحد درباره حضرت ابوالفضل(ع) نوشته است که حضرت عباس(ع) یکی از فقیهان عظام و علمای اعلام بود و شکی در این مطلب وجود ندارد که او وحید در فقاقت و علم است، در واقع گویا آن حضرت در فقاقت و حکمت نظیر و مانندی نداشته است، بعضی از روایان حدیث آن حضرت را جزء روایان اخبار حضرت امیرالمؤمنین(ع) نام برده اند.

وی گفت: بینش برتر و اندیشمندی عارف گونه حضرت عباس(ع) از همین موضوع نشأت گرفته که در قیام عاشورا اوج حکمت و رشادت ایشان را مشاهده می کنیم.

کاظمی در خصوص ادب در محضر امام حسین(ع) افزود: میان تمام خصلت های پسندیده حضرت عباس(ع) ادب و تواضع جایگاه مخصوصی دارد که ایشان این ادب را از مادر خود حضرت ام البنین(س) آموخته بود زیرا آن بانوی بزرگوار به فرزندان خود یاد داد که مبادا در محضر فرزندان حضرت زهرا(س) بی ادبی کنید و بی اجازه آن ها کاری انجام بدهید.

وی بیان کرد: حضرت عباس(ع) به اندازه ای نسبت به امام حسین(ع) مؤدب بوده که نقل شده هیچ زمانی آن حضرت را با عنوان برادر خطاب نکرد، مگر در زمان شهادت و در میدان کربلا که صدا زد: ای برادر! برادرت را دریاب.

استاد حوزه علمیه گفت: حضرت عباس(ع)، امام حسین و امام حسن(ع) را با تعبیرهایی مانند ای آقای من، مولای من، امام من، ای پسر رسول خدا و مانند این ها صدا می زدند، حتی طبق مطالب تاریخی، حضرت عباس(ع) هیچ زمانی بدون اجازه در کنار امام حسین(ع) نشست و اگر بعد از اجازه نیز می نشست مانند انسانی فروتن دو زانو در برابر امام خود می نشست.